

فضای فیزیکی در نمایش یونانی از آغاز تا دوره هلنی

* دکتر مجید سرسنگی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۲ / ۲ / ۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۲ / ۴ / ۶

چکیده:

فضاهای فیزیکی نمایش های یونان باستان جزو شرایط مهمی بودند که توفیق این اجراها را تعیین می کردند. علی رغم تفاوت های ظاهری این فضاهای فیزیکی، همگی آنها در چند اصل اشتراک داشتند. از مهم ترین این اصول بنا شدن در جوار فضایی مقدس بود. تمام خصوصیات معماری این تماشاخانه ها و بخش های مختلف آنها به نوعی با توجه به نگرش مذهبی یونانیان و نسبت آنها با خدایانشان قابل تفسیر است.

با گذشت زمان و هنگامی که نوع نگرش یونانیان نسبت به خدایان و مذهب تغییر کرد نوع معماری تماشاخانه ها نیز با تغییرات چشمگیری روبرو شد. دور شدن تفکر و فلسفه یونانی از سیطره خدایان و اعتقاد به قدرت انسان در برابر خدایان باعث شد وجوهات مذهبی تماشاخانه های یونانی جای خود را به وجوهات هنری صرف داده و معابد که روزی به عنوان نشانه بارز و برجسته این تماشاخانه ها محسوب می شد، جای خود را به فضاهایی دادند که فقط کاربردی هنری و خدماتی داشتند.

واژه های کلیدی:

فضای فیزیکی، محیط مقدس، رابطه بازیگر و تماشاگر، مذهب و نمایش، تماشاخانه، تئاتر یونان.

مقدمه

تئاتر یونان نسبت به اعتقادات مذهبی و رابطه انسان و خدا و میزان تأثیر فضای مذهبی بر نوع معماری تماشاخانه های یونان قدیم بررسی می شود تا برای پرسشی که متضمن ارزیابی نسبت محیط فیزیکی نمایش و میزان دخالت پندارهای مذهبی انسان است پاسخی مناسب ارایه شود.

مقاله حاضر بخشی از مطالعه ای گسترده در باره محیط فیزیکی تئاتر و نقش آن بر کیفیت رابطه بازیگر و تماشاگر در نمایش است. نگارنده امیدوار است بتواند سایر بخش های این مطالعه را نیز به صورت مقالاتی مستقل یا مجموعه ای واحد، به پژوهشگران و علاقه مندان نمایش تقدیم کند.

مقوله ارتباط بازیگر و تماشاگر و عوامل مؤثر در تقویت این رابطه، از جمله مباحث مهم در مطالعات تئاتری است. علی رغم پژوهش های متعدد در این زمینه یکی از محورهای کم توجه شده، نقش محیط فیزیکی^۱ در خلق و حمایت از رابطه بین تماشاگر و بازیگر است. در مقاله حاضر با بهره گیری از تحقیقات انجام شده درباره تأثیر محیط فیزیکی تئاتر بر کیفیت اجرای نمایش و خصوصاً رابطه بین تماشاگر و اجرا نکاتی چند ارایه می شود.

برای این تحقیق، دوره تئاتر کلاسیک یونان، به عنوان دوره ای مهم در تاریخ نمایش جهان، از نقطه نظر رابطه تماشاگر و اجرا برگزیده شده است. در این مقاله، همچنین عناصر اصلی معماری

برتولد^۲ معتقد است، فضاهای فیزیکی استفاده شده برای اجرای تراژدی ها و کمدی های یونان باستان جزو شرایطی بوده که در خلق اجراهای تئاتری^۳ آین دوران طلائی از تاریخ نمایش جهان نقش مهمی ایفا کرده است (برتولد، ۱۹۹۹). شاید مهم ترین ویژگی محیط فیزیکی نمایش یونانی در دوره یاد شده ارتباط چشمگیر این فضاها با وجوه مختلف زندگی یونانیان باشد:

در یونان، مکان های اجرای نمایش، معمولاً با قلمرو مقدس خدایان مرتبط بود. حتی پیش از اینکه مضامین نمایشی یونان باستان شکل گیرد، بسیاری از این اماکن وجود داشتند و در ارتباط با زندگی یونانیان بود. (براکت، ۱۹۹۵: ۳۰)

در یونان باستان، پیش از قرن پنجم قبل از میلاد، فستیوال ها و نمایش های مذهبی به شکل دسته روی به اجرا در می آمد و مردم، به عنوان وظیفه ای مذهبی، در اجرای نمایش مشارکت می کردند و معمولاً این گونه اجراها، پیرامون معبد یکی از خدایان اجرا می شد و در محیط داخلی یا پیشگاه معبد پایان می یافت. "بووار"^۴ در باره نمونه ای از نمایش های دسته روی تحت عنوان "پاناتنا"^۵ می نویسد:

... مردان جوان بر اسب های بدون زین سوارند، کاهنان گاوهای نرینه را برای مراسم قربانی هدایت می کنند، مردانی کوزه بر دوش به دیگران آب تعارف می کنند، زنان ایستاده در جوار مزار "خدا" در حال گفتگو هستند؛ همه خود را در حضور آرام بخش و سرشار از دوستی خدایان احساس می کنند... آشیل شعری را نوشت تا محافظان خدایان در چنین آیینی بخوانند؛ شعری که منعکس کننده وفاداری

صادقانه و از روی رضای خاطر و احساسات پاک مردان و زنان آتنی نسبت به خدایان آنهاست. (بووار، ۱۹۵۷: ۵۷-۵۸)

فستیوال "سیتی دیونسیا"^۶ تماماً نمایشی دسته روی مذهبی بود. در این نمایش بزرگ، دسته های مشارکت کنندگان به سوی معبد شهر پیش می رفتند، مکانی که تصویر آیینی و اسطوره ای "خدا" در آن جای داده شده بود (رم، ۱۹۹۲). محیط فیزیکی فستیوال "رورال دیونسیا"^۷ ویژگی های مشابه فستیوال "سیتی دیونسیا" داشت. این فستیوال در مکان های مختلفی اجرا می شد و تماشاگران نمایش، برای دیدن تمام صحنه های آن باید همراه نمایش، از نقطه ای به نقطه دیگر حرکت می کردند. نکته جالب و مهم درباره فضای فیزیکی فستیوال مذکور این که بعد از چند سال، فضاهای اجرای آن نمایش ها به تماشاخانه های دائمی تبدیل شد که امروزه به عنوان اولین تئاترهای^۸ یونانی از آنها یاد می شود.

در کنار فستیوال های که دسته روی و متحرک، نمایش های دیگری نیز بود که برای اجرا مکانی ثابت نیاز داشت. به عقیده برخی از محققان از جمله "ویکهم"^۹، بر اساس این نیاز، اولین فضاهای مخصوص اجرای تئاتر در یونان باستان شکل گرفت. به عنوان نمونه "تئاتر دیونی سوس"^{۱۰} در قلمرو مقدسی بنا شد که اجرای فستیوال لنیا^{۱۱} در بزرگداشت "دیونی سوس لنیوس"^{۱۲} بود.

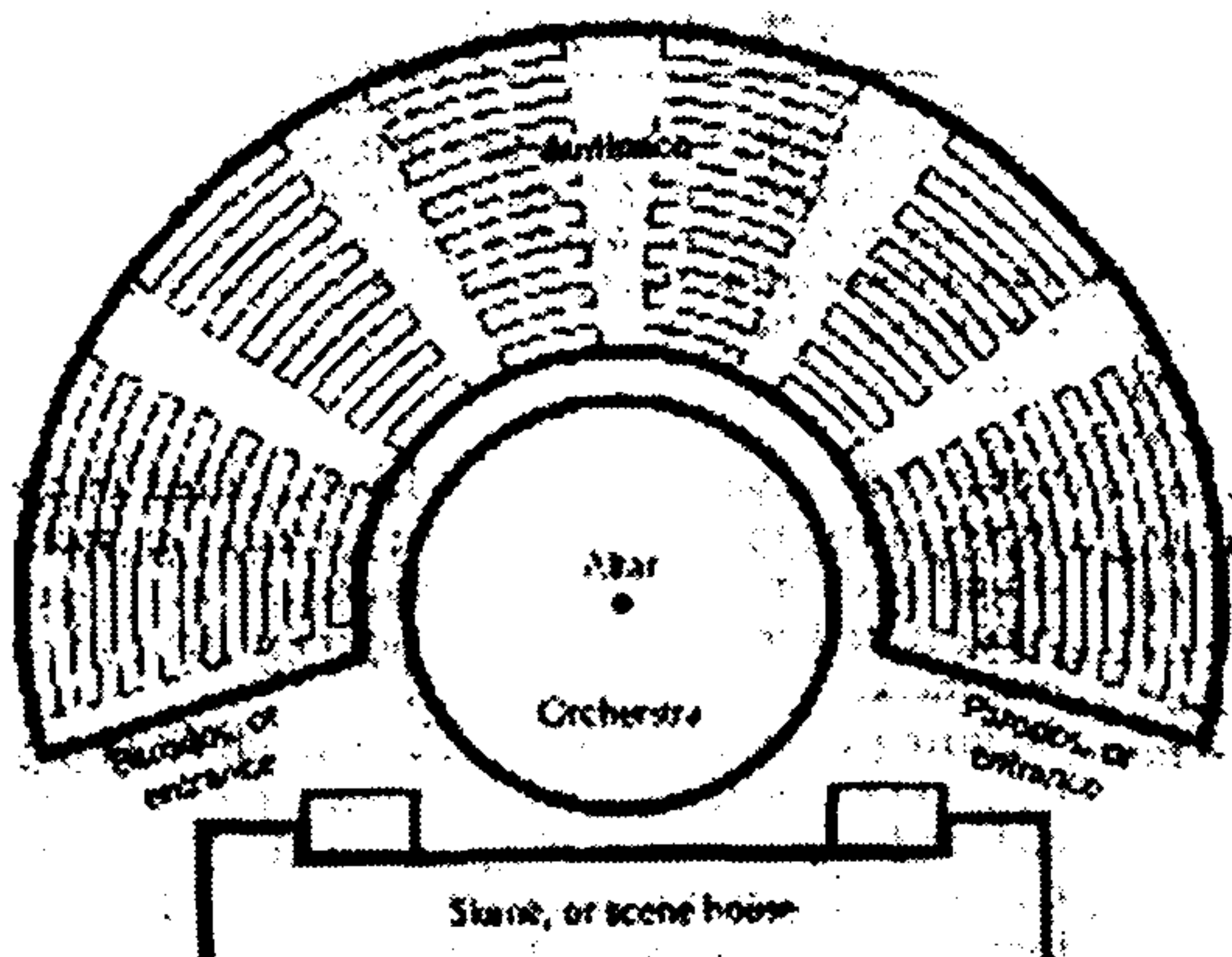
بر اساس شواهد تاریخی برجای مانده، در مکانی با عنوان "آگورا"^{۱۳}، یا بازار اصلی، فضای ویژه ای برای اجرای نمایش های این فستیوال پیش بینی شده بود. گروهی از پژوهشگران معتقدند، اجرای نمایش های آیینی یونان باستان



تصویر ۲: "تئاتر دلفی" ۱۶ قرن ششم قبل از میلاد
این تئاتر نزدیک معبد "آپولو" ۱۷ بنا شده بود.
(تصویر برگرفته از: بارانگر، ۱۹۹۴: ۲۹)

۳- "لوگیون" ۲۰: سکویی باریک و بلند که در پشت آن بنایی دائمی وجود داشت که دسترسی بازیگران را به پشت صحنه و مکان تعویض لباس فراهم می کرد. این بخش اصطلاحاً "اسکنه" نامیده می شد (تصویر ۳). هر سه بخش معماری تئاتر یونانی با معیار پیشینه مذهبی یونانیان و محتوای مذهبی نمایشنامه های آنان تفسیر شده است (بنکس و مارسون، ۱۹۹۸).

ریشه "ارکسترا" از لحاظ تاریخی به زمان اجرای نمایشها در "آگورا" باز می گردد. در "آگورای" یونانی به صورت مشخص مکانی وجود داشت که "ارکسترا" نام داشت. این محل دایره وار که یک درخت سپیدار نیز در آن وجود داشت، نزدیک نیمکت های چوبی بود که تماشاگران از آن قادر به دیدن نمایش بودند.



تصویر ۳: نقشه فضای معمارانه یک تئاتر یونانی که نشان دهنده موقعیت "ارکسترا"، "اسکنه" و "اودیتوریوم" می باشد.
(تصویر برگرفته از: ویلسون و گولدفارب، ۱۹۹۶: ۲۰۴)

همچنان در آگورا ادامه داشت تا اینکه در سال ۴۴۲ قبل از میلاد حکومت وقت برای آنها به عنوان بخش تأیید شده ای از فعالیت های اجتماعی مجوز رسمی صادر کرد و بدین ترتیب اولین اجراهای تئاتری در "تئاتر دیونی سوس" جای گرفت. (تصویر: ۱)



تصویر ۱: "تئاتر دیونی سوس" زمان: قرن ششم قبل از میلاد
همان گونه که تصویر نشان می دهد، این تئاتر در جوار معبد "دیونی سوس" واقع شده بود. معبدی که به عنوان عنصر مهم مذهبی، فضای تئاتر را با اعتقادات مذهبی مردم پیوند می داد.
(تصویر برگرفته از: براکت، ۱۹۹۵: ۳۱)

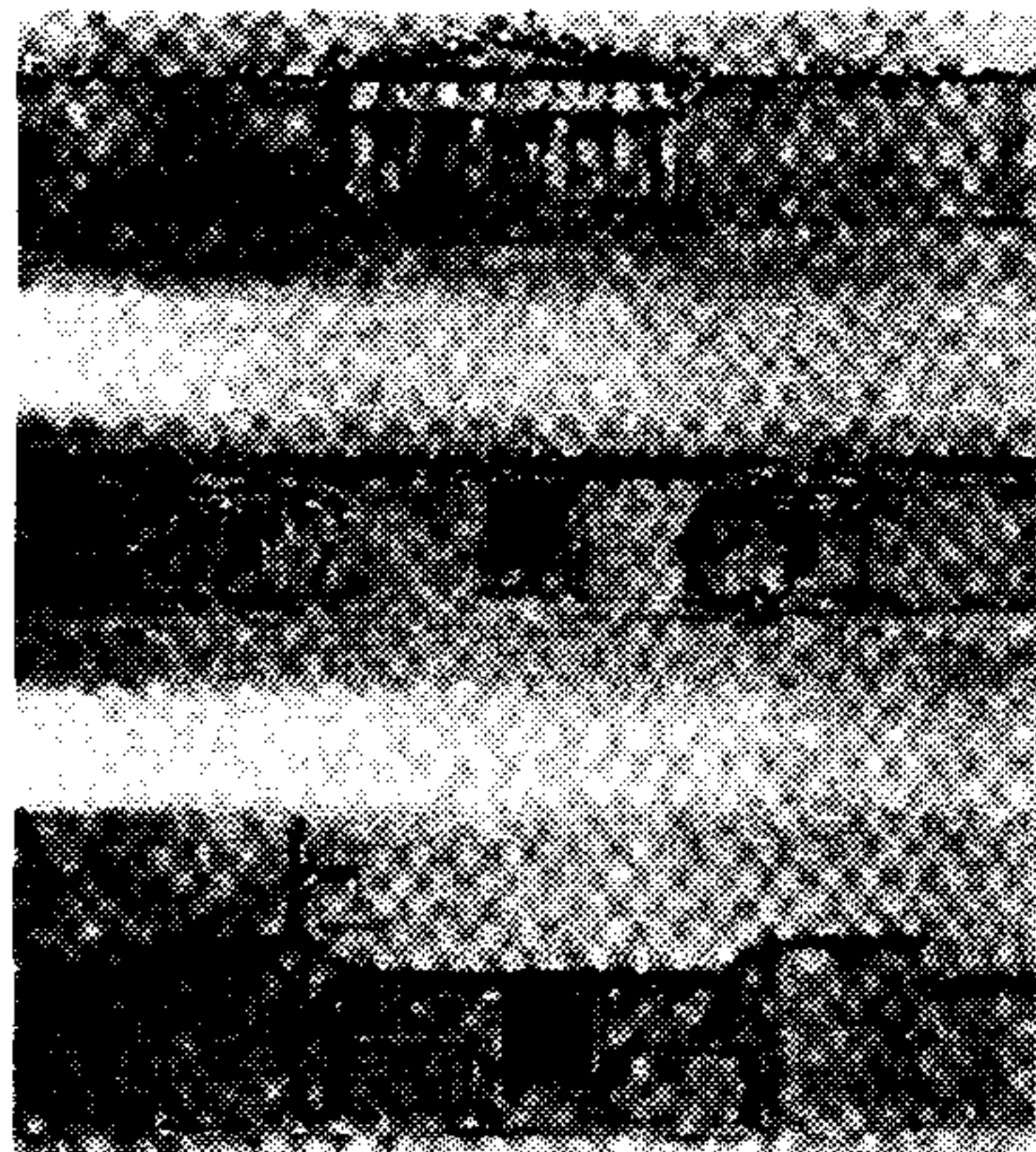
با وجود تفاوت بین فضاهای نمایش های دسته روی و ثابت، همه آنها در یک نکته با یکدیگر اشتراک داشتند و آن این بود که همواره در فضای فیزیکی آنها بنایی مقدس مانند معبد یا مزار وجود داشت. معابد خدایان یا مزارهای مقدس قهرمانان در گذشته، جزو اصلی ترین محیط های فیزیکی نمایش های مذهبی و آیینی یونان بود. یکی از این نمونه ها معبد "دیونی سوس" در "ایکاریا" ۱۴ بود. برخی از محققان چنین گفته اند که "تس پیس" ۱۵ از این معبد برای اجرای برخی از نمایش هایش استفاده می کرده است (لیکرافت، ۱۹۸۴).

از مبدأ تاریخی قرن پنجم قبل از میلاد به بعد، تعدادی تئاتر دایمی در یونان باستان، طراحی و ساخته شد. این تئاترها همچنین به الگویی معمارانه برای فرهنگ ها تبدیل شد (تصویر ۲). اگر چه این فضاها به شکل ماهرانه برای مقاصد تئاتری طراحی شده بود، با این وجود هنوز از عوامل و نشانه های طبیعی محیط استفاده می شد. برای مثال، تقریباً در تمام آنها از شکل طبیعی و شیب تپه ها برای جایگاه تماشاگران استفاده می شد.

بر اساس شواهد تاریخی یک تئاتر یونانی شامل سه بخش اصلی بود:

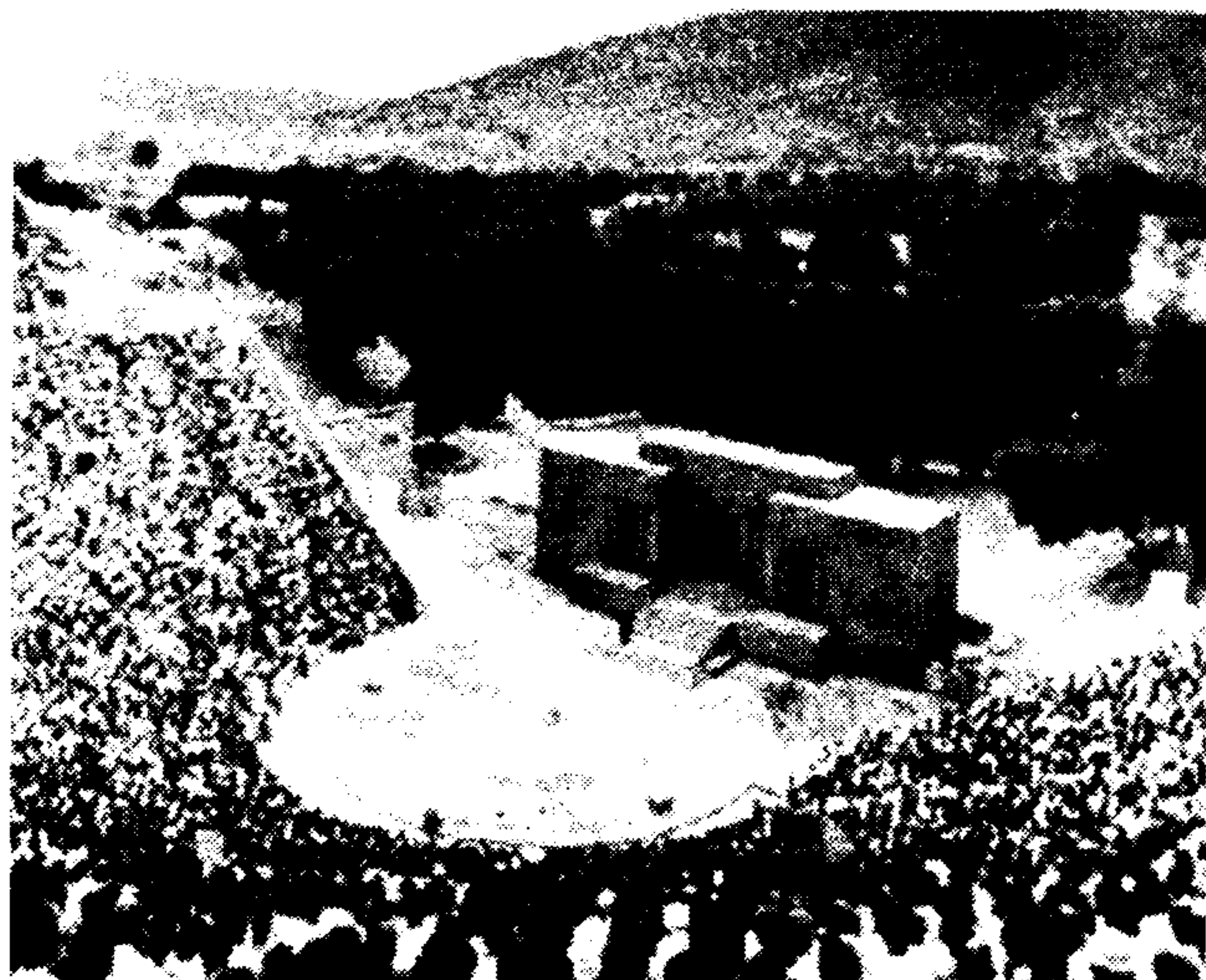
- ۱- "ارکسترا" ۱۸: فضایی کاملاً دوار که گروه خوانندگان از آن فضا برای سرود خوانی و رقص استفاده می کردند.
- ۲- "اودیتوریوم" ۱۹: ردیف های منظمی از صندلی که از شکل دادن صخره ها پدید آمده بود و گاهی نیز با لایه ای از سنگ مرمر پوشانده می شد. اودیتوریوم به صورت دوار تقریباً دوسوم از "ارکسترا" را در میان خود می گرفت.

تصویر ۴ نشان می دهد، شکل معبد به عنوان یکی از عناصر معماری تئاتر یونان بتدریج تغییر یافت و با تغییر ایجاد شده در فلسفه مستتر در نمایشها و نیز نوع نگاه جدید یونانیان نسبت به خدایان و مذهب هماهنگ شد.



تصویر ۴: این تصاویر بازسازی شده نمایانگر شکل "اسکنه" در "تئاتر دیونی سوس" است. همان گونه که از تصویر استنباط می شود در آخرین مرحله، شکل معبد به یک ساختمان معمولی و طراحی شده برای مقاصد تئاتری شبیه شده است. (تصویر برگرفته از: براکت، ۱۹۹۵: ۳۱)

سومین عنصر اصلی تئاتر یونانی "اودیتوریوم" یا مکان تماشاگران بود (تصویر ۵). تماشاگران در این فضا، چه ایستاده و چه نشسته، بر منظره ای مسلط بودند که نه تنها شامل بازیگران و اجرا بود، بلکه فضای وسیعی از پیرامون آنها را نیز در بر می گرفت (برتولد، ۱۹۹۹). به عبارت دیگر، تماشاگران یونانی از این جایگاه وسیع نه تنها می توانستند وقایع روی صحنه را ناظر باشند، بلکه برای آنها این تئاتر بخشی از محیط پهناوری بود که نمایش به صورت نمادین بر صحنه آن جاری بود.



تصویر ۵: منظره ای از یک تئاتر یونانی. همان طور که تصویر نمایانگر است، تعداد کثیری از تماشاگران قادر بودند به آسانی نظاره گر اجرای نمایش باشند. تماشاگران از سه سمت، صحنه بازی را فرا می گرفتند که تداعی یک صحنه سه وجهی^{۲۴} را در تئاتر جدید می کند. در این تئاتر، همچنین، تماشاگران از یک جایگاه مرتفع نمایش را نگاه می کردند. (منبع تصویر: ناشناخته)

"ارکسترا" به عنوان یکی از اصلی ترین عناصر تئاتر یونان، وجوهاتی مذهبی داشت. قبل از هر چیز، برای یونانیان بازیگری در چنین نمایشهایی به عملی مذهبی و مقدس محسوب می شد. بنابراین "ارکسترا" به عنوان فضای ویژه این عمل مذهبی، مکانی مقدس قلمداد می شد. دومین نکته وجود یک مذبح یا محراب^{۲۱} مقدس در میانه "ارکسترا" بود:

به طور دقیق مشخص نیست، این سکو یا صحنه در اولین شکل خود تا چه حد از سطح زمین بالا آمده بود. این چنین تصور شده است که این فضا ماهیتاً شامل یک محراب خدای "دیونی سوس" بود که در بخشهایی از نمایش یکی از بازیگران روی آن می ایستاد و با گروه همسرایان گفت و گو می کرده است. (بنکس و مارسون، ۱۹۹۸: ۲۲)

محراب که در مرکز "ارکسترا" قرار داشت، کار ویژه های مختلفی داشت. یکی از مهم ترین کار ویژه های آن این بود که به صورتی دائمی احساس مذهبی را به تماشاگران منتقل می کرد (لیکرافت، ۱۹۸۴). نکته دیگری که میتوان به جنبه های مذهبی "ارکسترا" افزود شکل دایره گونه آن است. امروزه چنین فرض می شود که شکل دایره یکی از مهم ترین نمادهای مذهبی در زندگی انسان است (یونگ، ۱۹۹۷).

"اسکنه" در یک تئاتر یونانی در قسمت پسین "ارکسترا" قرار داشت به طوری که در قسمت انتهایی شیب طبیعی تپه قرار می گرفت. این فضا درهایی داشت که بازیگران از آنها برای ورود و خروج استفاده می کردند. "اسکنه" همچنین فراهم کننده پس زمینه ای^{۲۲} برای اتفاقات نمایش و مکانی خاص برای تعویض لباسها بود. "هارتنول"^{۲۳} اظهار می دارد که در قسمت پسین "ارکسترا"، احتمالاً از همان زمان اولیه پیدایش تئاتر یونانی، صحنه ای وجود داشت که نوع خاص معماری آن، یادآور پیشگاه یک معبد بود. این بخش در خدمت مقاصد عملی اجرا، از جمله خلق پس زمینه اجرای نمایش، سطح تشدید کننده و پنهان کننده صداها و اطاق تعویض لباس، ماشینها و ابزار مورد استفاده در صحنه های مختلف و سایر لوازم مورد نیاز اجرا از چشم تماشاگران بوده است.

در یونان باستان این نکته امری عادی بود که هر تئاتری نزدیک معبدی ساخته شود. موقعیت معبد در تئاتر یونانی به گونه ای بود که تماشاگران نمایش، در هر موقعیتی قادر به تماشای آن در طول اجرا بودند (رم، ۱۹۹۲). پس معبد تأثیری روانی بر هر دو سوی نمایش یعنی تماشاگران و بازیگران داشت. به عبارت دیگر وجود تصویر معبد در منظر تماشاگران و بازیگران برای آنان یادآور این نکته بود که ایشان همواره در معرض دید خدایان قرار دارند.

هم زمان با پیشرفت تئاتر یونان و زمانی که وجوه مذهبی نمایشها جای خود را به وجوه هنری و غیر مذهبی داد، کار ویژه معبد ها در تئاتر یونان تغییر یافت. این تغییر، همچنین، بر شکل معابد نیز تأثیر گذاشت (ویکهام، ۱۹۹۲). همانگونه که

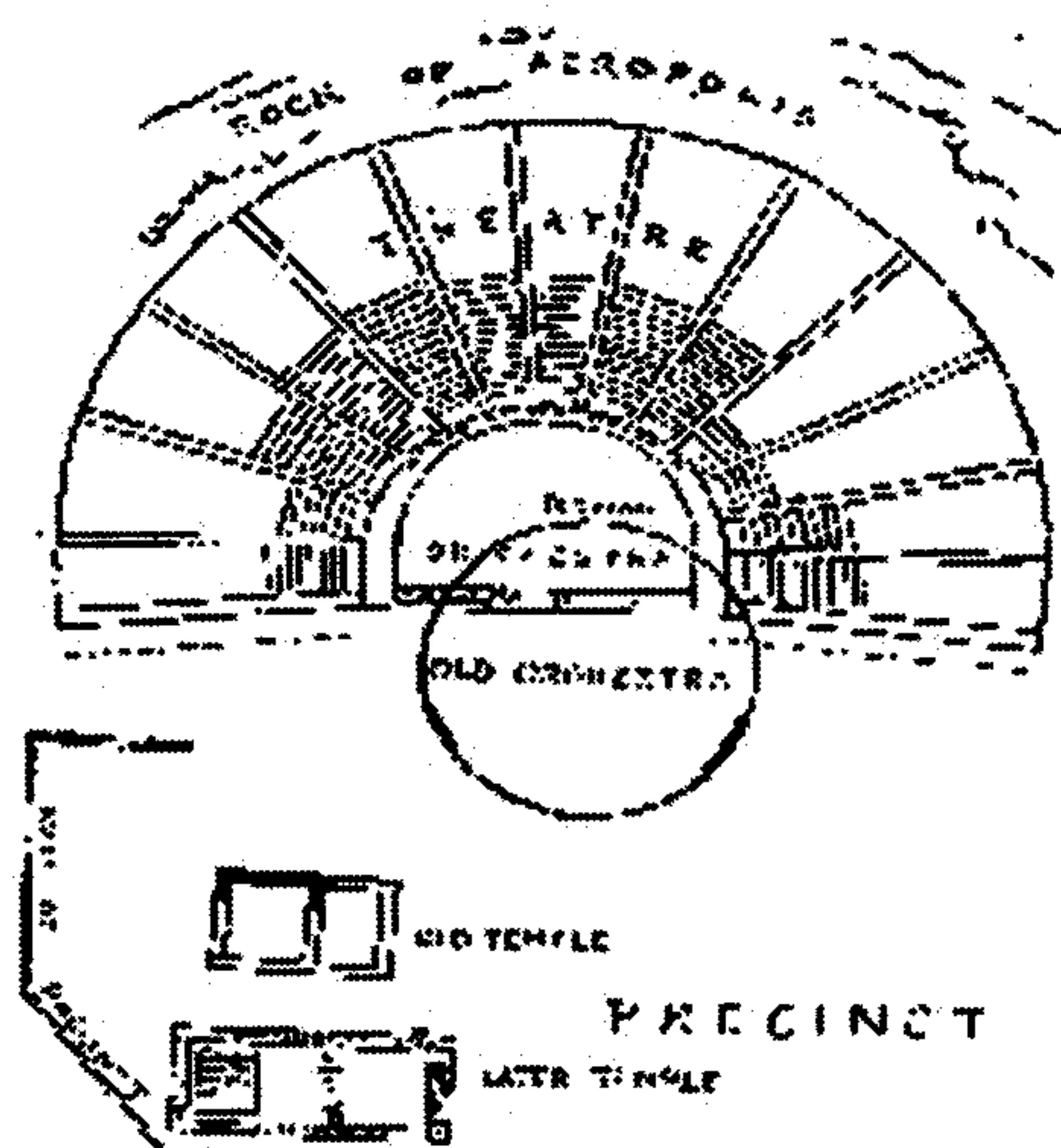
بر اساس یافته‌های "بارانگر"^{۲۰} این گونه تقسیم بندی معمارانه جایگاه تماشاگران - فضایی که مکان اجرای نمایش را مانند یک صحنه سه وجهی^{۲۱} "تراست" از سه سو در بر می‌گرفت - رابطه ای فیزیکی و روانی بین بازیگران و تماشاگران ایجاد می‌کرد (بارانگر، ۱۹۹۴). این تقسیم بندی فضا در تئاتر یونانی معرف نوع نگاه یونانیان به جهان پیرامون بود: طبقات مختلف از لحاظ فیزیکی با فضاهای مخصوص از یکدیگر جدا می‌شدند؛ با این وجود تمام این گروه‌ها با خصلتهای خاص خود، زمانی که با یک وحشت یا بدبختی عظیم مواجه می‌شدند همگی خود را بر روی یک سطح مشترک انسانی می‌یافتند. ایشان همچنین از موجودیت خود به عنوان بخشی از نظام هستی که زیر تسلط خدایان یا قهرمانان بود احساس آسودگی و راحتی خیال می‌کردند. در تراژدی "ادیپوس شاه"^{۲۲} سوفوکل خطاب به اربابان و بندگان بصورت همزمان و از زبان گروه همسرایان به این نکته مهم اشاره می‌کند: "روی شادکامی هیچ انسانی حساب نکن، مگر زمانی که او از آخرین محدودیت زندگی اش نیز گذشته و خود را در از رنج و درد به امنیت رسانیده باشد". (بووار، ۱۹۵۷: ۶۷)

در داخل این جایگاه یونانیان آزاد بودند تا احساسات و نظراتشان را درباره نمایش نشان دهند و با بازیگران آن گونه که می‌خواهند گفت و گو کنند. تماشاگران نظراتشان را نسبت به نمایش با صدای بلند ابراز می‌کردند و چنانچه از اجرای بخشی از نمایش ناراضی می‌شدند، بازیگران را با استهزاء به خارج از صحنه فرا می‌خوانند. آن گونه که در تاریخ ثبت شده است، "آشیل"^{۲۳} یک بار برای فرار از خشم تماشاگران ناراضی، مجبور شد از محراب به پشت صحنه بگریزد. برخی از نویسندگان عهد باستان، تماشاگر را به عنوان یک موجود پست و جاهل لعنت کرده اند و در مقابل برخی دیگر به تماشاگر به عنوان یک عامل بصیر نگاه کرده و او را ستوده اند. تماشاگران یونانی، احتمالاً ماهیت دو گانه ای داشته اند؛ ماهیتی که از یک سو کاملاً معرف ذوق و سلیقه شخصی ایشان و از سوی دیگر نمایانگر خصلتهای عام اجتماعی آنها بوده است. نکته مهم در مورد این تفاسیر از رابطه تماشاگران و اجرا این است که هر تماشاگر خود را جزو جریان نمایش و سهم در اجرا می‌دانست و اعتقاد داشت که می‌تواند در کیفیت اجرای نمایش مؤثر باشد. همانطور که تصویر ۷ نشان می‌دهد، ویژگی های معماری تئاتر یونان از دوره کلاسیک تا دوره هلنی^{۲۴} تغییرات بسیاری یافت. به طور مثال صندلیهای چوبی، جایگزین جایگاههای سنگی شد؛ اضافه شدن بخش های جدید به صحنه، همچنین، جایگاه بازی بازیگران را مفصل تر و پیچیده تر کرد؛ یک پس زمینه جدید و نیز مکانی برای تعویض لباس به سایر بخش های قدیمی اضافه شد و نیز احتمالاً بعد از قرن پنجم میلادی یک صحنه بر آمده از زمین برای استفاده بازیگران به سایر عناصر معماری تئاتر اضافه شد (برتولد، ۱۹۹۹).

همانند "ارکسترا" و "اسکنه"، "اودیتوریوم" نیز جوهات نمادین و مذهبی داشت. هنگامی که مردم وارد تئاتر می‌شدند و بر صندلی خود می‌نشستند، این تقدس روحانی را احساس می‌کردند:

با گذشتن از درب ورودی و ورود به تئاتر در سمت جنوبی "اکروپولیس"^{۲۵}، شهروندان آتنی خود را یکباره در زمینی مقدس می‌یافتند. آنان (تماشاگران) در قلمرو ویژه ای قرار داشتند، مکانی جدا شده از سایر فضاهای معمولی و وقف شده به یک خدا. با نظر به سمت چپ، آنان خود را در جوار دو معبد می‌یافتند که در کنار یکدیگر آرام گرفته بودند: یکی قدیمی و یکی جدید. معبدی که ساخته می‌شد چنان مقدس بود که تخریب و در هم کوبیدن آن تنها از سرناچاری و ضرورت امکان پذیر بود. (هریسون، ۱۹۷۸: ۲)

آن گونه که در تاریخ تئاتر نقل شده است، هر کسی بدون پرداخت وجه می‌توانست وارد تئاتر یونانی شود و هیچ گونه محدودیت یا شرطی برای مشارکت در یک اجرا وجود نداشت. هر چند که تئاتر برای همه باز بود، جایگاه تماشاگران به عنوان مکانی مقدس و نمادین به بخش های مختلف برای حضور طبقات مختلف اجتماعی تقسیم شده بود. برای مثال در "تئاتر دیونی ساک" در "آتن" افراد معمولی نمی‌توانستند از ردیفهای جلو استفاده کنند. این ردیفها به کاهنان و افراد مقدس اختصاص داشت. در این تئاتر صندلی مرکزی متعلق به کاهن "دیونی سوس الوترس"^{۲۶} بود. صندلیهای هم جوار او به کاهنان "آپولو"، "آسکلپیوس"^{۲۷} و "المپین زئوس"^{۲۸} تعلق داشت.



تصویر ۶: نقشه "تئاتر دیونی ساک"^{۲۹} در آتن. آن گونه که تصویر نشان می‌دهد، دو معبد، یکی قدیمی و دیگری جدید، در قسمت پسین "ارکسترا" وجود داشت. این معابد حضور دائمی خدای مورد نظر را در طول واقعه ای تئاتری تضمین می‌کردند و منتقل کننده فضایی مذهبی به تماشاگران و بازیگران بودند. (تصویر برگرفته از: براکت، ۱۹۸۴: ۳۹)

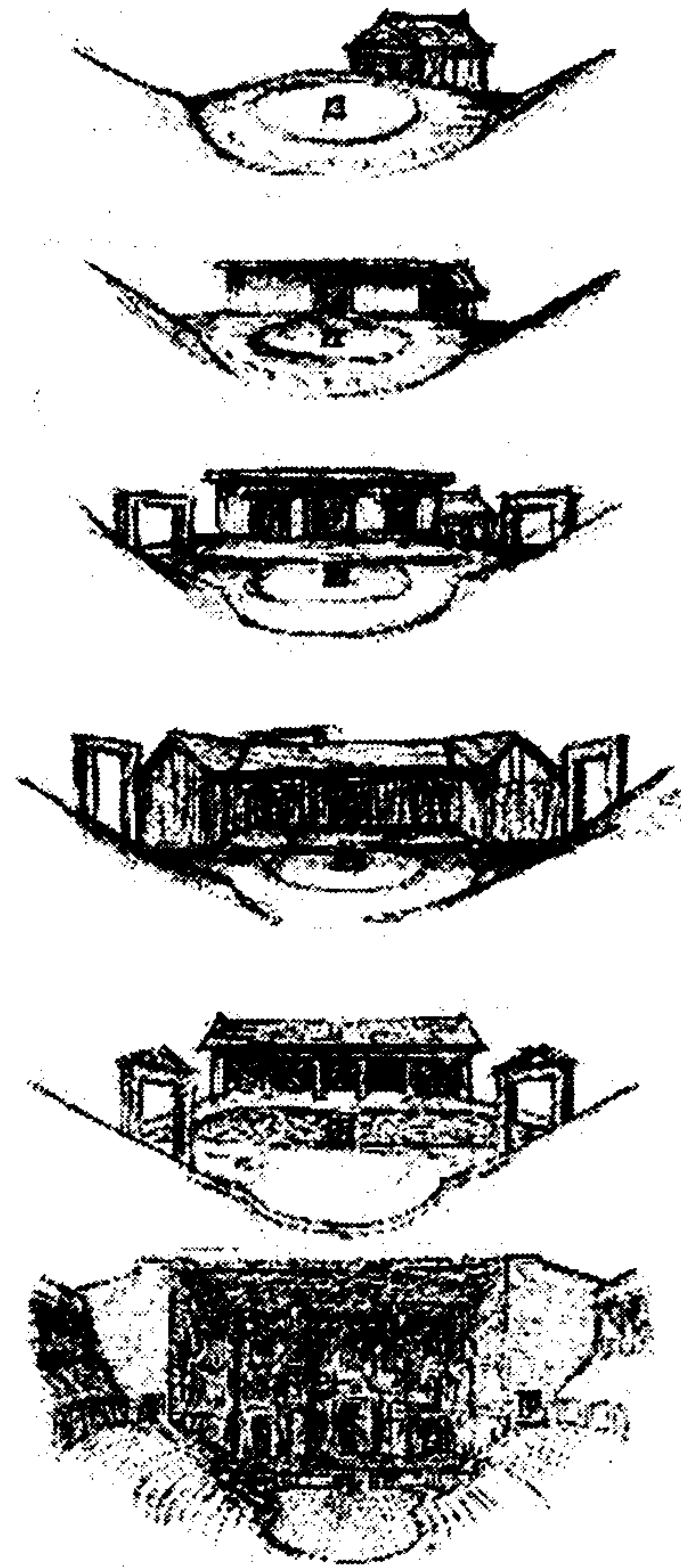
نتیجه گیری

در میان تمام عوامل و عناصر تعیین کننده رابطه تماشاگر و بازیگر، در طول اجرای نمایش، محیط فیزیکی تئاتر، علی رغم کم توجهی به آن، نقشی مهم و اساسی بر عهده دارد. در تئاتر یونان، به عنوان سر آغاز هنر تئاتر جهان، فضای فیزیکی و معماری تئاتر همواره عاملی اساسی برای برقراری این رابطه و ارتقای کیفیت اجرای نمایش ها بوده است. نکته مهم آنکه عناصر معماری تئاترهای یونانی به شکل توجه شدنی با معیارهای مذهبی و نوع نگاه انسان یونانی به سیطره خدایان و اعتقادات مذهبی او، هماهنگ و همسو بوده است.

هر یک از عناصر اصلی یک تئاتر یونانی، علاوه بر نقش تئاتری خود، واجد وجوهاتی مذهبی و نمادین نیز بوده است. این وجوهات مذهبی در طول اجرای یک نمایش، فضای روحانی را بر اثر حاکم کرده و از طریق علقه های مذهبی تماشاگران ضامن برقراری ارتباطی مستحکم بین تماشاگر و اجرا بوده است. بنا شدن اولین تئاترهای یونانی در جوار معابد خدایان، صرف نظر از دلالت بر جنبه های قوی آیینی نمایش ها در اولین دوران ظهور، تأثیر عناصر نمادین و مذهبی بر معماری تئاتر یونانی را بارزتر می کند.

به تدریج و با تغییر نگاه یونانیان به مذهب و قدرت خدایان و با جایگزین شدن اراده انسانی به جای تقدیر و سیطره خدایان، عناصر مذهبی معماری تئاتر یونانی نیز تغییر یافته و به سوی گستره ای تئاتری و فارغ از دغدغه های مذهبی روی کرده است. در این حالت، معبد یونانی که سالیان دراز عضو بلا منازع محیط فیزیکی تئاتر محسوب می شد رنگ می بازد و جای خود را به فضایی می دهد که کاربردی صرفاً تئاتری و البته غیر مذهبی دارد. تعمیم این فرضیه از یک دوره خاص به کل فرایند تکامل نمایش از آغاز تا عصر حاضر معرف آن است که اولاً مذهب در پیدایش و شکل گیری نمایش نقشی حیاتی ایفا کرده و دوماً تکامل هنر تئاتر نسبتی جدی با تغییرات فلسفی و بنیادین در اندیشه بشر داشته است. علاوه بر این نکات، موضوع قابل تأمل دیگر آنکه خصوصیات اجتماعی و مذهبی تئاترهای یونانی در دوره مورد بحث باعث شده بود تا مکان اجرای نمایش برای یونانیان فضایی آشنا و مقدس تلقی شود. این تلقی موجبات مشارکت روانی و حتی فیزیکی آنها را در اجرا فراهم کرده و نهایتاً به تقویت رابطه آنها با اجرا و بازیگران منجر می شد.

این تغییرت با تغییر مفهوم و کارویژه نمایش در میان یونانیان رابطه مستقیم داشت: در ابتدا نمایش تحت تأثیر تام خدایان و اعتقادات مذهبی شکل می گرفت اما در مرور زمان جنبه های مذهبی نمایش تحت نفوذ " پروتاگوراس " ^{۲۵} و سایر فلاسفه نواندیش یونانی قرار گرفت. بر اساس این فلسفه جدید، انسان دیگر تحت نفوذ و اقتدار خدایان نبود؛ بنابراین، شکل و محتوای محیط فیزیکی تئاتر نسبت به گذشته خود تحولی اساسی یافت. معبد، به عنوان عنصری مذهبی، جای خود را با ساختمان جدیدی که صرفاً برای مقاصد تئاتری ساخته شده بود عوض کرد و صحنه برای اجرای نمایش هایی مهیا شد که دیگر جنبه های صرفاً مذهبی و آیینی نداشت.



تصویر ۷: تکامل یک تئاتر یونانی (احتمالاً تئاتر دیونی سوس) از قدیمی ترین زمان تا دوره هلنی.
بر اساس این تصویر، در ابتدا "معبد" نقش مهمی در کنار سایر عناصر معماری تئاتر داشت. به تدریج این اهمیت رو به افول گذاشت. در دوره هلنی این فضا به ساختمان پهناوری تبدیل شد که تنها کاربرد تئاتری داشت. در این دوران دیگر این مکان معنای مذهبی نداشت. این تحول دقیقاً منطبق با تحول مذهبی و نوع رابطه انسان و خدا در یونان بود. (منبع: ناشناخته)

پی‌نوشت‌ها:

- Physical Environment ۱
 Berthold ۲
 Theatrical Performances ۳
 Bowar ۴
 Panathenea ۵
 City Dionysia ۶
 Rural Dionysia ۷
 ۸ به معنای مکان اجرای نمایش
 Wickham ۹
 Theatre of Dionysus ۱۰
 Lenaia ۱۱
 Dionysus Lenaios ۱۲
 Agora ۱۳
 Ikaria ۱۴
 Thespis ۱۵
 Theatre of Delphi ۱۶
 Apolo ۱۷
 ۱۸ Orchestra ، برگرفته از کلمه یونانی Orcheisthai به معنای رقصیدن
 ۱۹ Auditorium ، برگرفته از کلمه یونانی Audire به معنای شنیدن
 ۲۰ Logeion ، کلمه یونانی برای معرفی کردن مکان گفت و گو
 Altar ۲۱
 Background ۲۲
 Hartnoll ۲۳
 Thrust Theatre ۲۴
 Acropolis ۲۵
 Dionysus Eleuthereus ۲۶
 Asklepios ۲۷
 Olympian Zeus ۲۸
 Dionysac Theatre ۲۹
 Barranger ۳۰
 Thrust stage ۳۱
 Oedipus the King ۳۲
 Aeschylus ۳۳
 Hellenistic Period ۳۴
 Protogoras ۳۵

فهرست منابع:

- Banks R.A & Marson P (1998), Drama and Theatre Arts, New Edition, Hodder and Stoughton
- Barranger, Milly S. (1994), Theatre, A Way of Seeing, Fourth Edition, Wadsworth Publishing Company and An International Thomson Publishing Company
- Berthold, Margot (1999), The History of World Theatre, Continuum, New York
- Bowar, C. M (1957), The Greek Experience, Butler and Tanner, London
- Brockett, Oscar, G (1984), The Essential Theatre, Third Edition, Holt, Rinehart and Winston, Inc
- Idem (1995), History of the Theatre, Seventh Edition, Allyn & Bacon
- Freedly, George & Reeurs, John (1941), A History of the Theatre, Crown Publishers, New York
- Harrison, Jane (1978), Ancient Art and Ritual, Moonraker Press
- Jung, Carl Gustav (1997), Man and his symbols, translated by Mahmud Soltaneyeh, Jami publisher, Tehran
- Hartnoll, Phyllis (1968), A Concise History of the Theatre, Thames and Hudson. London
- Leacroft, Richard & Helen (1984), Theatre and Playhouse, Methuen, London and New York
- Rehm, Rush (1992), Greek Tragic Theatre, Routledge, London
- Wickham, Glynne (1992), A History of the Theatre, Second Edition, Phaidon Press Limited, London
- Wilson, Edwin & Goldfarb, Alvin (1996), Theatre, The Lively Art, Second Edition, The McGraw-Hill Companies, Inc